



تشکل بی وظیفه؛ نگاهی به یک بیانیه

یاشار سهندی، صفحه ۴

اتهام زنی به جای نقد سیاسی صفحه ۸

تجمعات اعتراض نانوابان البرز، کارکنان ابنیه فنی راه آهن کرج، پرستاران یزد، احضار مجدد

وریشه مرادی به دادگاه و اخباری دیگر صفحه ۷

ابقای اژه ای؛ حکومت برای رویارویی با مردم آماده می شود! حسن صالحی صفحه ۶

اولتیماتوم کارگران واحدهای عملیاتی و حراست مسجد سلیمان و اعتراض کارگران در پالایشگاه

فاز ۲ بید بلند بهبهان صفحه ۲

۲۱ تیر: تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی در چند شهر صفحه ۹

قرار در باره جنبش ضد اعدام در ایران

مصوب پلنوم ۶۱ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری، صفحه ۹

اعتراضات بازنشستگان مخابرات اصفهان، حواله داران سایا در تهران و کارگران فولاد سازی یزد

صفحه ۱۰

هفته ۱۲۸ کارزار "سه شبه های نه به اعدام"، و بیانیه دادخواهان دیماه صفحه ۱۱

۲۲ تیر: چند اعتراض کارگری و اجتماعی

بازنشستگان، کارگران پتروآرمند، کارکنان بهداشت نیشابور، و راهپیمایی مالباختگان تبریزی در تهران

صفحه ۱۲

قرار در حمایت از مبارزات دانش آموزان

مصوب پلنوم ۶۱ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری، صفحه ۱۲

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۹۴۴

۲۲ تیر ۱۴۰۵

۱۳ ژوئیه ۲۰۲۶



دوشنبه ها منتشر میشود

پایان چرخه جنگ و بحران و

نقش مردم ایران در تغییر

آینده! حسن صالحی

صفحه ۴

پیام کمیته مرکزی حزب

کمونیست کارگری ایران

به زنان و مردم افغانستان

صفحه ۱۱

مدیای اجتماعی

راهی میان جنگ و سازش؛

بایکوت جهانی جمهوری

اسلامی، صفحه ۳

یاسر احمدی نژاد کارگر نفت

آزاد شد، صفحه ۱۰

راهی میان جنگ و سازش؛

بایکوت جهانی جمهوری

اسلامی، صفحه ۳



شیخ کمونیسم بر فراز آمریکا - حمید تقوایی

در اخبار بود که پیتل، مولتی میلیاردر آمریکایی، پاپ را کمونیست خوانده است. دلیل ایشان اینست که پاپ گفته "هوش مصنوعی باید در خدمت منافع عموم مردم استفاده بشود و نه فقط در خدمت انباشته شدن قدرت و ثروت در دست افراد معدودی". از نظر آقای پیتل، یکی از همین معدود میلیاردرها، این صحبت پاپ و کلا هر سخنی از منافع توده مردم کمونیستی است. ظاهراً شیخ کمونیسم مورد اشاره مارکس هنوز نه تنها بر فراز اروپا بلکه بر فراز آمریکا نیز در گشت و گذار است.

چند روز قبل از حمله میلیاردرها به پاپ، ترامپ نیز بخش عمده سخنرانی خود بمناسبت ۲۵۰ سالگی آمریکا را به حمله به کمونیسم اختصاص داد. از "کمونیستها بی خدا هستند" تا "طرفداری از کارل مارکس خیانت به آمریکاست" و "کمونیسم غده سرطانی است" و نظایر آن از عبارات کلیدی صحبتهای ترامپ بود

دشمنی ذاتی فاشیسم، چه فاشیسم هیتلری و چه ترامپی، با کمونیسم امر عجیبی نیست. آنچه تازه و قابل تعمق است حمله رئیس جمهور آمریکا به کمونیسم، آنهم ۳۷ سال پس از فروپاشی دیوار برلین، بعنوان خطر داخلی در آمریکا است. ترامپ تاکید میکند "که سربازان آمریکایی در میدانهای جنگ علیه کمونیسم ننجیدند تا این «تهدید» دوباره در داخل آمریکا سر بلند کند.

اینجا تنها با جنگ ایدئولوژیک فاشیسم علیه کمونیسم مواجه نیستیم بلکه بحث بر سر یک "تهدید" عاجل سیاسی است. بحث بر سر خطر بالفعل کمونیسم در جامعه آمریکای تحت سلطه مولتی میلیاردرها است. دولت را در دست دارند، کنگره و مجلس نمایندگان در دست آنهاست، ثروتی بیش از ثروت نیمه پائینی مردم آمریکا در تملک آنهاست ولی همچنان از تهدید کمونیسم در هراسند.

منظور ترامپ از کمونیسم لیبرال دموکراتهای چپ نظیر برنی سندرز و ممدانی هستند. اینان که علناً خود را سوسیالیست می نامند قدرت ترامپ و الیگارش مالی را

بچالش کشیده اند و به همین علت نیز محبوبیتشان در جامعه آمریکا در حال گسترش است. اینکه این نیرو و چقدر واقعا کمونیست هست یا نه اینجا مورد بحث ما نیست. مهم اینست که هر نوع عدالتخواهی با کمونیسم تداعی میشود و نکته مهمتر اینکه راست‌های مولتی میلیاردر در چهره هر مخالف خود شیخ کمونیسم را می بینند. بقول مانیفست "کجاست آن حزب اپوزیسیونی که مخالفینش، که بر مسند قدرت نشسته اند نام کمونیستی روی آن نگذارند؟" امروز هم، مثل زمان انتشار مانیفست کمونیست، اپوزیسیونی یافت نمی شود که بر مسند نشینان آنرا کمونیست ننامند؛ حال این اپوزیسیون، برنی سندرز باشد و یا پاپ و یا هر نیروئی که در هر سطحی از منافع مردم و عدالت و برابری سخن بگوید.

در زمانه ما کمونیسم تعریف دیگر آزادی و رهایی و کرامت انسانی، و سوسیالیسم نام دیگری برای انسانیت است. تا تبعیض و فقر و استثمار و شکاف عمیق بین کوه ثروت یک درصدیها و دره فقر ۹۹ درصدیها وجود دارد، بر مسند قدرت نشینان از شیخ کمونیسم خلاصی نخواهند داشت.

(۱۸ تیر ۱۴۰۵، ۹ ژوئیه ۲۰۲۶)



شرکت نفت و گاز مسجد سلیمان

اولتیماتوم کارگران واحدهای عملیاتی و حراست مسجد سلیمان و اعتراض کارگران در پالایشگاه فاز ۲ بید بلند بهبهان

اولتیماتوم کارگران واحدهای عملیاتی و حراست مسجد سلیمان

بنا بر گزارشات منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث) کارگران شاغل در واحدهای عملیاتی و حراست مسجد سلیمان به تجمع در همراهی با خانواده های خود اولتیماتوم داده اند. طبق این گزارش این کارگران از تیرماه تا کنون مزد خرداد را دریافت نکرده اند.

طبق این گزارش پیمانکاران با همدستی مدیریت شرکت به بهانه های کمبود منابع، اختلال در سیستم بانکی و تعطیلی های تمام نشدنی و مناسبتی و سردواندن ها شرایط معیشتی سختی را به کارگران تحمیل نموده اند.

این کارگران اولتیماتوم داده اند که چنانچه در اسرع وقت شرکت مربوطه نسبت به پرداخت حقوق و مزایای آنان اقدام نکند با حضور خانواده هایشان در مقابل فرمانداری مسجد سلیمان دست به تجمع و اعتراض خواهند زد! حذف پیمانکاران یک مطالبه فوری این کارگران و مطالبه سراسری کارگران در نفت است.

اعتراضات کارگران روزمزد پالایشگاه فاز ۲ بید بلند بهبهان

بنا بر گزارش منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت کارگران روزمزد پالایشگاه فاز ۲ بید بلند بهبهان ۴۰ روز است که در اعتراض به اخراج خود از کار در مقابل پالایشگاه تجمع کرده و به فرمانداری، اداره کار، و

دادگاه شکایت برده اند اما پاسخی نگرفته اند. دادستان نیز به جای رسیدگی کارگران را تهدید به صدور حکم جلب کرده است. از سوی دیگر مهرشاد دستوریان، رئیس مجتمع و جانشین مدیرعامل صراحتاً به کارگران

گفته: "هر کاری می توانید بکنید، هیچ چیز در دستتان نیست". طبق همین گزارش این کارگران بدنبال بیش از ۵ سال کار با بیمه ناقص، حقوق پایین و بدون عیدی و سنوات، پس از شروع جنگ یکجا اخراج شدند. به این کارگران وعده استخدام رسمی داده شده بود، اما اقدامی نشد. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت با اشاره به ادامه این اعتراضات و اعلام حمایت از اعتراضات این کارگران مینویسد: "آنچه امروز در پالایشگاه فاز ۲ بید بلند بهبهان مشاهده میکنیم. در بخش های دیگر نفت نیز جریان دارد. متحد و یکپارچه علیه این زورگویی ها و تعرضات معیشتی بایستیم."

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ تیر ۱۴۰۵، ۷ ژوئیه ۲۰۲۶



پایان چرخه جنگ و بحران و نقش مردم ایران در تغییر آینده! حسن صالحی

دور جدیدی از درگیری‌های نظامی میان آمریکا و جمهوری اسلامی آغاز شده است؛ تحولاتی که نگرانی‌ها درباره آغاز دوباره یک جنگ تمام‌عیار میان دو طرف را افزایش داده است.

درگیری‌های اخیر پس از آن آغاز شد که روز سه‌شنبه، ۱۶ تیر (۷ ژوئیه)، سپاه پاسداران چند کشتی تجاری را هدف حمله قرار داد. جمهوری اسلامی تلاش دارد نقشی راهبردی در مدیریت تنگه هرمز ایفا کند و خواهان آن است که کشتی‌ها از مسیرهایی تردد کنند که این حکومت تعیین می‌کند. در واکنش به این حملات، نیروهای نظامی آمریکا نیز شماری از اهداف را در داخل ایران مورد حمله قرار دادند. این تحولات نشان می‌دهد که توافق اخیر میان آمریکا و جمهوری اسلامی از همان ابتدا بسیار شکننده بوده است. به نظر می‌رسد این روند می‌تواند به چرخه‌ای از تنش نظامی، مذاکره، حملات متقابل و بازگشت دوباره به میز مذاکره منجر شود؛ چرخه‌ای که هر یک از طرفین می‌کوشند از طریق آن امتیازات بیشتری در توافقات احتمالی آینده به دست آورند.

اما شرایط کنونی به‌شدت به زیان جمهوری اسلامی تغییر کرده است. نخست آنکه اختلافات در میان نیروهای حاکمیت به‌طور چشمگیری افزایش یافته؛ به‌گونه‌ای که این شکاف‌ها به درگیری‌های خیابانی، شعار دادن علیه مسعود پزشکیان و عباس عراقچی، و حتی سنگ‌پرانی علیه وزیر امور خارجه رژیم انجامیده است.

همچنین، هنوز مشخص نیست که عملیات روز سه‌شنبه سپاه پاسداران علیه چند کشتی تجاری در تنگه هرمز با هماهنگی همه ارکان حکومت انجام شده باشد. آنچه مسلم است این است که بخشی از حاکمیت به‌شدت با ادامه مذاکرات با آمریکا مخالف است و آن را مصداق «سازش‌کاری» با ایالات متحده می‌داند. در مقابل، بخش دیگری از حاکمیت، برای نجات جمهوری اسلامی از بحران کنونی، ادامه مذاکرات را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌کند.

در منطقه نیز چند تحول مهم دیگر به زیان جمهوری اسلامی در حال شکل‌گیری است. در عراق، نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی با فشار فزاینده برای خلع سلاح روبه‌رو هستند و شماری از چهره‌های وفادار به جمهوری اسلامی در پارلمان و

دستگاه‌های حکومتی عراق به اتهام فساد و اختلاس بازداشت شده‌اند. در لبنان، مذاکرات میان اسرائیل و دولت لبنان نیز به زیان حزب‌الله و جمهوری اسلامی پیش می‌رود و می‌تواند به محدود شدن توان عملیاتی حزب‌الله بینجامد. همچنین، در نشست ناتو در ترکیه، دولت آلمان با قاطعیت از مواضع ایالات متحده در جنگ با جمهوری اسلامی حمایت کرد. از سوی دیگر، ترکیه با دریافت وعده فروش جنگنده‌های اف-۳۵، احتمالاً بیش از گذشته به عاملی برای افزایش فشار بر جمهوری اسلامی جهت پذیرش شروط آمریکا تبدیل خواهد شد. صرف‌نظر از اهداف و نیت آمریکا در ادامه کشمکش و درگیری نظامی با جمهوری اسلامی، آنچه رخداد‌های اخیر نیز به‌وضوح نشان می‌دهد این است که تا جنگ همچنان بر سر جامعه ایران سنگینی خواهد کرد.

تا آنجا که به جامعه ایران مربوط می‌شود، کلید تغییر این وضعیت در دست مردم ایران است؛ مردمی که در سیاست‌های جنگ‌افروزان، برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی برای دستیابی به سلاح هسته‌ای، حمایت از نیروهای نیابتی و برنامه‌های موشکی این حکومت منفعتی ندارند و خواهان برقراری روابطی مسالمت‌آمیز با جهان غرب و کشورهای همسایه خود هستند.

امروز، بیش از هر زمان دیگری، مبارزه با سیاست‌های جنگ‌افروزان و غرب‌ستیزانه جمهوری اسلامی به یک وظیفه فوری برای همه نیروهای تبدیلی شده است که واقعا خواهان پایان این نظام و سرنگونی جمهوری اسلامی هستند.

جامعه ایران می‌تواند با سرنگونی جمهوری اسلامی و برپایی نظامی مبتنی بر آزادی، برابری و کرامت انسانی نه تنها آینده‌ای متفاوت برای مردم ایران رقم بزند، بلکه زمینه‌ساز شکل‌گیری صلحی پایدار در منطقه نیز باشد.

راهی میان جنگ و سازش؛ بایکوت جهانی جمهوری اسلامی

با لغو آتش‌بس میان آمریکا و جمهوری اسلامی و برهم خوردن تفاهم‌نامه‌ای که هر یک از دو طرف برداشت و تفسیر متفاوتی از آن ارائه می‌کنند، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که آینده این درگیری‌های نظامی به کدام سو خواهد رفت؟ آیا تنش‌ها به رویارویی گسترده‌تری خواهد انجامید، یا همچنان امکان بازگشت به میز مذاکره و مهار بحران وجود دارد؟

طبیعتاً مردم ایران جنگ نمی‌خواهند ولی از کشته شدن سران و فرماندهان این رژیم و نیز از ضربات نظامی وارد شده به آن خوشحالند. مردم در عین حال نمی‌خواهند آتش جنگ زندگی و آینده‌شان را ویران کند. آنان نمی‌خواهند همواره در سایه جنگ، ناامنی و اضطراب زندگی کنند. خواست مردم، پایان یافتن عمر نکبت جمهوری اسلامی است؛ حکومتی که در تضاد با منافع مردم ایران، همواره بر طبل جنگ و دشمنی با دیگر کشورها کوبیده و جامعه را به ورطه درگیری‌های فرسایشی و ویرانگر کشانده است. آلت‌رناتیو جنگ، دیپلماسی و مذاکره با قاتلان مردم ایران نیست. آلت‌رناتیو واقعی آن است که جمهوری اسلامی به انزوای سیاسی کامل کشانده شود و مورد بایکوت جهانی قرار گیرد. این رژیم جانی و سرکوبگر در هیچ مجمع و نهادی



به‌عنوان نماینده مردم ایران به رسمیت شناخته نشود. این، بهترین و کم‌خطرترین راه برای وارد آوردن فشار حداکثری بر جمهوری اسلامی و اقدامی مؤثر در حمایت از مبارزات مردم ایران است. همان‌گونه که رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی با انزوای سیاسی، تحریم‌های بین‌المللی و سلب

مشروعیت جهانی روبه‌رو شد، جمهوری اسلامی نیز باید با چنین رویکردی در عرصه بین‌المللی مواجه شود. به رسمیت نشناختن این حکومت به‌عنوان نماینده مردم ایران و منزوی کردن آن، می‌تواند مؤثرترین و کم‌هزینه‌ترین راه برای حمایت از مردم ایران و تقویت مبارزات آنان باشد. همان‌گونه که بایکوت بین‌المللی رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی راه را برای برچیده شدن آن نظام ضدانسانی هموار کرد، بایکوت جهانی جمهوری اسلامی نیز می‌تواند نقش مهمی در سرنگونی این حکومت ایفا کند. (برگرفته از مدیای اجتماعی حزب کمونیست کارگری)

تشکل بی وظیفه؛ نگاهی به یک بیانیه

یاشار سهندی



"...طبقه کارگر یک موجودیت اجتماعی و اجتماعا شکل گرفته است. اینطور نیست که کارگران در غیاب گروههای چپ عده ای آدم منفرد هستند که مات و بی حرکت آسمان را نگاه میکنند تا یکی بیاید و به آنها بگوید فقر بد است و اتحاد خوب است." (منصور حکمت)

شش تا سازمان و حزب، که برخی از ایشان هنوز میخواهند تداعی کننده یک نوستالژی تمام خلقی باشند خود را فدایی میخوانند و بر "حماسه های" دهه 50 خورشیدی لمیده اند و بر "مرگ حماسی" رفقای جان باخته خود مرثیه سرایی میکنند. برخی هم با پسوند کمونیست و کارگر و سوسیالیست، شورایی تشکیل داده اند. شش ماه پیش کنفرانس دوم شان را برپا کردند، که به مانند کنفرانس اول وعده دادند که چنین میکنیم و چنان و چنین خواهد شد و چنان که نتیجه اش بعد از کلی بگیر و ببند، بعد از گذشت چندین سال از عمر این تشکل، تنها خروجی آن صدور بیانیه بوده و دیگر هیچ.

اگر بخواهیم جانب انصاف را رعایت کرده باشیم البته همچنین هم هیچ و هیچ نبوده است. تلویزیونی هم دارند که برنامه هایش سرجمع، دوره می رفیقانه است جلو دوربین. این یکی سازمان در تایم خودش میزگرد دارد و از دیگرانی از تشکیلات های دیگر شورا دعوت میکنند، تا گپی زده باشند و آن یکی هم بهمین ترتیب. خب این هم خودش یک کار مشترک برای ساختن "آلترناتیو سوسیالیستی" در مقابل راست جامعه است، که انشاءالله ثمره اش صدسال بعد مشاهده خواهد شد! بگذریم... اما به قول مسلمانان یک حرفی نمی زنند که بدر دنیا و آخرت کسی بخورد!

این شورا در یکی از آخرین بیانیه هایش از "توازن قوای جدید و وظایف جنبش کارگری! بحران های بنیادی جامعه حل نشده است!" سخن گفته است، که نهایتا معلوم میشود در توازن قوای جدید یک "جنبش کارگری مدعی قدرت سیاسی" وجود دارد، و یک عده فعال کارگری که اگر "کمک" خواستند میتوانند به این شورا، جهت مشاوره جهت اتحاد و غیره مراجعه کنند!

قاعده تشکیل یک جمع یا تشکل سیاسی این است که کسانی تشخیص داده اند برای تغییرات سیاسی مد نظرشان باید کاری کرد. و یک تشکل سیاسی قاعدتا چشمش به قدرت سیاسی است. اما در ایران، در میان چپ های ایران تشکل میسازند، عمرشان را برای آن میگذارند و هدف شان را هم ساخت "آلترناتیو سوسیالیستی" تعریف میکنند، اما ادعای قدرت سیاسی را باید جنبشی که ظاهرا ایشان پایگاه اجتماعی خود را در آن جنبش میبینند، داشته باشد و نه یک حزب سیاسی معین یا تشکلی از شش حزب و سازمان، گروه و هسته. بیچاره ما کارگران و طبقه کارگر ایران!

در بیانیه فوق با اشاره به تحولات اخیر، جنگ میان امریکا و اسرائیل و جمهوری اسلامی و تفاهم بعدی و حالت نه جنگ و نه صلح، ایشان به درست تاکید دارند اوضاع کنونی نتیجه حاکمیت چهار دهه رژیم اسلامی سرمایه است که "دور تازه ای از مبارزات طبقاتی و اجتماعی را فراهم" کرده است. و در بیانیه خاطر نشان میشود: "دوران پیش رو، دوره تعیین جایگاه نیروهای اجتماعی و طبقاتی در توازن قوای جدید

است." و پریشان بافی بیانیه از همین جا شروع میشود.

بیانیه به موقعیت مفلوک سلطنت طلبان و اصلاح طلبان حکومتی اشاره میکند. بعد ما از "جنبشهای طبقاتی و اجتماعی" خبر دار میشویم که "بزرگترین نیروی بالقوه تغییرات انقلابی" معرفی میشوند. و بعد با "نیروهای اجتماعی و طبقاتی" ای روبرو هستیم که با سازماندهی این نیروها به ادعای ایشان "تغییر توازن قوا به سود اکثریت مردم" تغییر میکند. در صورتی که چند سطر بالاتر اشاره کرده اند که "طبقه کارگر تنها نیرویی است که با سازماندهی اعتصابهای سراسری می تواند ... توازن قوا را به سود مردم تغییر دهد." تا اینجا که تعارف و تعارف کشی است که کدام نیرو میتواند توازن قوا را به سود اکثریت مردم تغییر دهد.

اشاره بیانیه به "نیروهای اجتماعی و طبقاتی" خیلی ظریف، بیان همان تفاوت "خواسته های دموکراتیک و خواسته های سوسیالیستی" است که از نگاه چپ بی وظیفه غیر سیاسی اولی به زبان این بیانیه مربوط به "نیروهای اجتماعی" است و دومی به "نیروهای طبقاتی"؛ نگاهی که مطالباتی چون آزادی بیان، حقوق زنان، حقوق کودک، نه به اعدام ووو... مطالبات دموکراتیک هستند و در نتیجه بورژوازی است، و خواسته های سوسیالیستی تنها نفی استثمار است و لاغیر! در این میان طبقه کارگر معرفت به خرج میدهد و "از محدوده مطالبات مختص طبقه خود فراتر" می رود. بهر حال همانطور که در بیانیه فوق آمده این مطالبات نیروهای دیگر، "جنبش های اجتماعی دیگر" است و باید سخت مواظب بود زیادی تن این جنبش ها به جنبش طبقه کارگر نخورد.

شنیدیم و خواندیم که آزادی طبقه کارگر در گرو آزادی جامعه است، اما طبقه کارگر باید منت سر جنبشهای دیگر داشته باشد که من از "مطالبات مختص طبقه خود" میگذرم و "پرچمدار مبارزه همه ستمدیدگان" میشوم! و این همه به روایت این بیانیه "همگی اجزای جدایی ناپذیر برنامه یک جنبش کارگری مدعی قدرت است."

در دنیای ذهنی نویسندگان بیانیه فوق ما دو نوع جنبش کارگری داریم، جنبش کارگری مدعی قدرت، و جنبش کارگری بی ادعای قدرت! این یکی از نوبرانه ترین تره های چپ سنتی ایران است.

جهت اطلاع ایشان باید گفت ما با یک جنبش کارگری طرف هستیم که دارای گرایشات مختلف است. بعید میدانم مثلا گرایش سندیکایی در جنبش کارگری

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!

تشکل بی وظیفه؛ ...

از صفحه ۴

کارزار جهانی علیه اعدام از ایشان است؟ چرا کوچکترین ردی از ایشان در مبارزه برای حقوق کودک دیده نمی شود؟ چرا در جنگ جاری کمترین اشاره به جمهوری اسلامی دارند اما تا جا دارد از بدکرداری امپریالیسم غارتگر و مهاجم می گویند؟ چرا وقتی با "رفقای فرانسوی" ضد صهیونیسم شان روبرو میشوند، خجالت زده میشوند و نمی توانند توضیح دهند چرا طبقه کارگر ایران به مانند آنها به اندازه کافی ضد صهیونیسم نیست؟

ممکن است حداقل به این سوال جواب بدهند چرا خود را در "کنار طبقه کارگر" معرفی میکنند، مگر قرار نبود کمونیستها نمایندگان پیشرو این طبقه باشند؟ و اینکه مشخصا مگر وظیفه یک حزب و یا سازمان سیاسی چپ کمونیست تلاش برای کسب قدرت سیاسی از طریق انقلاب نیست؟ اگر آری، چرا وقتی در ایران هر وقت جنبش انقلابی شکل میگیرد، به شدت مواظب هستند که اگر یک نفر از اپوزیسیون راست از آن تمجید کرد خود را کنار بکشند؟ چرا از فعالین کارگری و سوسیالیستی انتظار دارند صدای "جنبشهای اجتماعی دیگر" باشند و پرچم مطالبات آنها را نیز بدست گیرند، اما خود با دموکراتیک خواندن آن مطالبات، در واقع آنرا تحقیر میکنند؟ و چرا...، چراها زیاد است و در حوصله این یادداشت دیگر نیست به آنها اشاره شود.

این از مشخصات چپ سنتی است که خود را دانای کل میدانند، و همه همت عملی اش به صدور بیانیه و موضع گیری خلاصه میشود. از این جمع شش تشکل باید پرسید در مورد همین جنگ اخیر جز بیان "نه به جنگ ارتجاعی از هر دو طرف" یا "قطع جنگ بی درنگ" کدام فراخوان سیاسی رو به جامعه دادید که برای سرنگونی جمهوری اسلامی که بدرستی مسبب همه مصائبی است که جامعه گرفتارش شده، بخصوص جنگ اخیر و اینکه چکار میتوان و باید بکند. در همین دوره خاص جز افشای مرتب و پیگیرانه سیاستهای ضد بشری شخص نتانیاهو و ترامپ و کلا امپریالیسم و صهیونیسم، چکار سیاسی را در دستور کارتان گذاشتید که توازن قوا بیشتر به نفع توده مردم سنگین شود؟

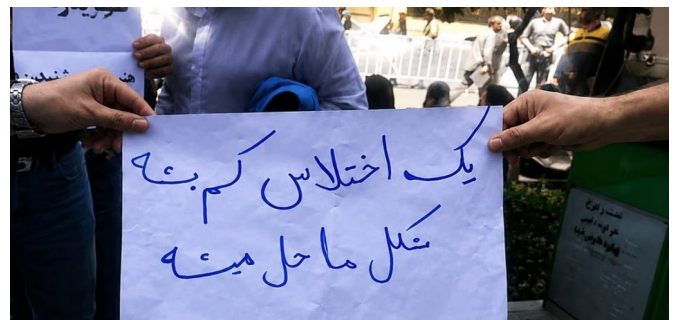
ما سالی دوبار شما را در یک کار عملی مشاهده میکنیم، که البته به کم و کیف حضورتان هم کاری نداریم، یکی اول مه است، یکی هم اجتماع جلو سازمان جهانی کار. بعد از آن تمام مدت مشغول زدن تو سر جنس هستید با آسیب شناسی جنبش کارگری، یا صحبتهای بی پایان در مورد چگونگی سیاسی شدن مبارزات کارگری. گویا مشکل ما کارگران هستیم نه آن سازمانی که با ادعای هواخواهی کارگر تنها چیزی که برای ارائه به کارگران و فعالین سوسیالیست کارگری دارد مشاوره برای کمک به امر مبارزه است!

اگر واقعا به دنبال آسیب شناسی جنبش کارگری یا چپ یا سوسیالیستی در ایران هستید یک نگاه به خودتان بیندازید که مدعی کمونیسم و ارائه آلترناتیو به جامعه هستید، اما عملا هیچ آبی از شما گرم نمی شود.

مدعی قدرت باشد. اگر همچین باشد این جنبش عملا خودش را نفی کرده است. اما همین گرایش به دنبال احزابی میرود که خواسته های او را نمایندگی کنند. گرایش سوسیالیستی جنبش طبقه کارگر هم ادعای قدرت سیاسی ندارد. اما فعالین این گرایش هم چشم شان به عملکرد احزابی که مطالبات آنها را بازگو کند است. واقعیت این است که "از دل جنبشهاست و گرایشهای مختلف آن است که احزاب و سازمانهای سیاسی شکل میگیرند" و یک حزب سیاسی جدی برای رسیدن به مطالبات بدنه اجتماعی خود و تحقق آنها چشم به قدرت سیاسی و تصرف آن دارد. این که یک تشکل مثلاً سیاسی که شش سازمان و حزب را هم در برمیگیرد خیلی راحت وظیفه ای که خود قاعدتا باید به دنبالش باشد محول به کل یک جنبش معین میکند که دارای گرایشهای مختلف است، تنها و تنها بیانگر این است که ادعای ساختن آلترناتیو سوسیالیستی یک ادعای پوچ و توخالی است.

ادعای پوچ و توخالی است چون در همین بیانیه عوض تاکید بر اینکه باید به سازماندهی جنبشهای طبقاتی و اجتماعی پرداخت و در دستور کار باشد به "فعالین چپ و سوسیالیست جنبش کارگری" اطلاع میدهد که بیست و چهار ساعت شبانه روز آماده هستند که "کمک" مشاوره ای در اختیار این فعالین بخصوص و نه فعالین جنبشهای دیگر، نیروهای اجتماعی دیگر بگذارند تا "موانع نظری و تشکیلاتی همکاری و اتحاد خود را از میان بردارند و به نیرویی متحد، متشکل و سازمان یافته تبدیل شوند."

راستش در جواب ایشان، اگر جسارت نباشد باید گفت: "کل اگر طیب بودی سر خود دوا نمودی!" این تشکل پر ادعا و بی وظیفه اگر برایش ممکن است یک قلم، فقط یک قلم اشاره کند که برای "پیروزی مبارزه علیه رژیم اسلامی" که از فعالین چپ و سوسیالیست جنبش کارگری انتظار دارد "بیشترین اتحاد و همگامی بین جنبش کارگری و جنبش اعتراضی توده ای" برقرار کنند، خود مشخصا چه کار عملی ای انجام میدهد؟ کدام مبارزه اجتماعی را سازمان میدهد؟ چرا کمترین ردی مثلاً در



اموال دزدیده شده باید مصادره شود

مصادره اموالی که آیت‌الله‌ها، آفازاده‌ها، مقامات، فرماندهان و باند‌های حکومتی از زندگی مردم دزدیده‌اند، یکی از اهداف ماست.

دست مذهب و کاسبان مذهب
از زندگی مردم کوتاه!

ما برای حکومتی بدون سرکوب، بدون تبعیض و بدون نابرابری مبارزه می‌کنیم؛ برای جامعه‌ای آزاد، شاد و خوشبخت.

به ما ملحق شوید.

آدرس‌های تماس و عضویت در حزب:

پیامگیر تلگرام:
@wpi_tamas

واتس‌آپ و تلگرام:
0046700447425

کارگر کمونیست

به حزب کمونیست کارگری
پیوندید!

مسئولیت مطالب با نویسندگان
انهاست. درج مقالات در کارگر
کمونیست لزوماً به معنی تأیید
مضمون آنها از جانب نشریه نیست

تلگرام: @wpi_tamas

۰۰۴۶۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com



نظام دارد.

همه می‌دانند که از نگاه مردم، این‌گونه تهدیدها و رجزخوانی‌ها، حتی اگر هرگز جنبه عملی پیدا نکنند، بیش از آنکه متوجه آمریکا باشد، پیامی به داخل کشور و تلاشی برای مرعوب کردن جامعه است. حکومتی که پس از حذف خامنه‌ای با شکاف‌ها و بحران‌های عمیق درونی روبه‌رو شده، بیش از هر چیز از سربرآوردن دوباره جنبش اعتراضی مردم هراس دارد. حاکمان ظالم به‌خوبی می‌دانند که سرنوشت جمهوری اسلامی نه در توافقات در بالا، بلکه در میدان مبارزه مردم ایران رقم خواهد خورد. این مردم هستند که در نهایت حرف آخر را خواهند زد.

از همین رو، حکومت خود را برای دور تازه‌ای از رویارویی با جامعه آماده می‌کند و جنایتکارترین مهره‌های خود را در رأس نهادهای امنیتی و قضایی قرار می‌دهد تا با تشدید سرکوب، مانع گسترش اعتراضات شود. این تقلاها هرگز جمهوری اسلامی را از خشم و اعتراض برحق مردم نجات نخواهد داد. مردم ایران بارها، با وجود سرکوب خونین، زندان، شکنجه و اعدام، در برابر این حکومت به پا خاسته‌اند و نشان داده‌اند که اراده آنان برای دستیابی به آزادی و رهایی، با خشونت و ارباب درهم شکسته نمی‌شود.

در برابر تشدید سیاست سرکوب و ارباب رژیم، جبهه آزادی‌خواه مردم نیز باید خود را برای مرحله‌ای تازه از مبارزه آماده کند. دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی، مبارزه برای توقف فوری اعدام‌ها، مقابله با شکنجه، آزار و پرونده‌سازی علیه فعالان سیاسی، مدنی و اجتماعی، و گسترش همبستگی و سازمان‌یابی مردمی، مهم‌ترین عرصه‌هایی است که می‌تواند ماشین سرکوب جمهوری اسلامی را به عقب براند و راه را برای پیروزی مبارزه مردم یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار آزادی و برابری در جامعه هموار سازد.

باقی اژه ای؛ حکومت برای رویارویی با مردم آماده می‌شود! حسن صالحی

انتصاب دوباره محسنی اژه‌ای به ریاست قوه قضائیه از سوی مجتبی خامنه‌ای، که حالا پس از مرگ پدرظاهرا در راس قدرت قرار گرفته است، معنایی جز این ندارد که سرکوب، زندان، شکنجه و صدور احکام سنگین علیه مخالفان ادامه خواهد یافت.

محسنی اژه‌ای یکی از شناخته‌شده‌ترین جلادان جمهوری اسلامی است. فرد پلیدی که نامش با سرکوب، زندان، شکنجه و صدور احکام سنگین علیه مخالفان گره خورده است. او یکی از عوامل کشتار خونین دیماه ۱۴۰۴ است و فقط در جریان جنگ چهل‌روزه، قوه قضائیه جمهوری اسلامی که او ریاستش را بر عهده داشته هزاران نفر را دستگیر کرده و دست‌کم ۴۰ زندانی سیاسی و معترض زندانی با چوبه های دار به قتل رسانده است. باقی‌ای او در ریاست قوه قضائیه، در عمل پاداشی برای کارنامه سرکوبگرانه‌اش و پیامی آشکار مبنی بر تداوم سیاست ارباب، خشونت و سرکوب در جمهوری اسلامی است.

البته انتصاب هر فرد دیگری نیز تغییری در ماهیت این نهاد ایجاد نمی‌کند. از قوه قضائیه جمهوری اسلامی، به‌عنوان یکی از ارکان اصلی حکومت، انتظار دیگری نمی‌توان داشت. این دستگاه در تمام سال‌های حاکمیت جمهوری اسلامی بخشی جدایی‌ناپذیر از ماشین سرکوب و جنایت حکومت بوده است؛ نهادی که با صدور احکام زندان، شکنجه، اعدام و محرومیت‌های سیاسی و اجتماعی، نقشی تعیین‌کننده در حفظ جمهوری اسلامی و سرکوب مخالفان ایفا کرده است. اژه‌ای در نخستین سخنرانی خود، برای جلب رضایت بدنه وفادار به حکومت، با حمله‌ای تند به آمریکا مدعی شد که جمهوری اسلامی روزی آمریکا را به‌عنوان «قاتل» فرماندهان و مقامات ارشد حکومت محاکمه خواهد کرد.

این رجزخوانی‌ها در شرایطی مطرح می‌شود که جمهوری اسلامی، پس از تحمل ضربات سنگین نظامی و قرار گرفتن در تنگناهای سیاسی و اقتصادی، ناچار شد برخلاف سال‌ها شعارهای تند ضدآمریکایی، "زهر" مذاکره با آمریکا را بنوشد و توافقی را با دولت آمریکا امضا کند. حتی اینها از آمریکا خواستند تا در جریان مراسم به گور سپردن خامنه‌ای، از هرگونه حمله نظامی در امان بمانند. این واقعیت، بیش از هر چیز نشان می‌دهد که رجزخوانی‌های رسمی حکومت، بیش از آنکه بازتاب سیاست عملی آن باشد، مصرف تبلیغاتی برای حفظ روحیه نیروهای وفادار به



۱۰۰۰ دختر و پسر نوجوان تهرانی نه حجابی در کار است نه جداسازی جنسیتی

این‌ها نوجوانان نسل Z هستند. دور از مقررات و فرهنگ حکومتی، بدون حجاب اسلامی و چه باید و چه نباید کردهای حکومت، دیوارهای آپارتاید جنسیتی را شکستند و در پاساژی در تهران جمع شدند تا به بهانه دیدار با یک دختر تیک تاک روز شادی برای خود ترتیب دهند!

جالب این است که این کلیپ را یک رسانه نزدیک به رژیم، رویداد ۲۴، منتشر کرده است.

این رویداد مربوط به دیروز شنبه ۲۰ تیر است.

مردم به هزار زبان می‌گویند که ایران جامعه‌ای اسلامی نیست.

برعکس از اسلام گریزان است و برای مزخرفات اسلامی تره هم خورد نمی‌کند.

انفجار عظیمی در این جامعه علیه نظم کهن، افکار و عقاید پوسیده اسلامی و سنتی اتفاق افتاده است. این صحنه یکی از ترکش‌های این انفجار است. (از مدیای اجتماعی)



رفته مالباختگان بر اساس ارزش روز و نرخ تورم و برخورد قاطع با عاملان این کلاهبرداری خواستهای فوری معترضین است. در سیستم سراپا رانت و فساد حاکم، جنبش مالباختگان یک جنبش قدرتمند و مستقیماً علیه بساط فساد و اختلاس و چپاول مافیای حاکم است.

احضار مجدد وریشه مرادی به دادگاه

شنبه ۲۰ تیر وریشه مرادی، زندانی سیاسی محبوس در زندان اوین بار دیگر به شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ریاست ابوالقاسم صلواتی احضار شد، اما او با اعلام اینکه دادگاه را به رسمیت نمی‌شناسد، از حضور در آن خودداری کرد. در این روز وکلای وریشه در این شعبه حاضر شدند. اما رسیدگی مجدد به اتهامات وریشه بدلیل عدم حضور وی لغو شد.

حکم اعدام وریشه مرادی در آذر ماه سال گذشته به دلیل نقض در تحقیقات در دیوان عالی کشور نقض و پرونده وی جهت رسیدگی مجدد به شعبه هم عرض ارجاع داده شده بود. وریشه در شرایط بسیار سختی در زندان بسر میبرد و ماهها از تماس تلفنی محروم و حق ملاقات با خانواده اش را نداشته و همواره با اعزام وی به بیمارستان و دسترسی اش به امکانات پزشکی مخالفت شده است.

وریشه مرادی و تمامی زندانیان سیاسی و معترضین زندانی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ تیر ۱۴۰۵، ۱۱ ژوئیه ۲۰۲۶

تجمعات اعتراض نانوابان البرز، کارکنان ابنیه فنی راه آهن کرج، پرستاران یزد، احضار مجدد وریشه مرادی به دادگاه و اخباری دیگر

تجمع اعتراضی نانوابان البرز

روز ۲۱ تیر جمعی از نانوابان استان البرز در اعتراض به گرانی ها و هزینه های سنگین و کاهش سهمیه آرد و عدم پرداخت یارانه و مشکلات سخت معیشتی خود دست به تجمع و اعتراض زدند.

تجمع کارکنان نگهداری خط و ابنیه فنی راه آهن کرج

روز ۲۱ تیر جمعی از کارکنان بخش نگهداری خط و ابنیه فنی راه آهن کرج در اعتراض به سطح نازل حقوقها، تعریق پرداخت مطالبات مزدی، عدم واریز به موقع حق بیمه شان به سازمان تأمین اجتماعی و کار پیمانی و نداشتن امنیت شغلی دست به تجمع زدند. واریز فوری و کامل حق بیمه های معوقه و به روز رسانی سوابق بیمه ای، تسویه کامل کلیه معوقات مزدی، بستن کارهای ها و مزایای شغلی گذشته و حذف پیمانکاران و انعقاد قراردادهای مستقیم و تضمین امنیت شغلی، از جمله خواستهای فوری آنهاست.

تجمع اعتراضی پرستاران یزد

روز ۲۱ تیر پرستاران یزد در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات و فشارهای شغلی و معیشتی و پاسخ ندادن به خواستهایشان دست به تجمع زدند. فضای اعتراض در میان پرستاران و کادر درمان شدت بیشتری یافته است. طبق گزارشات دانشگاه علوم پزشکی مشهد از فروردین ماه حق بیمه دستیاران بخش درمان را به بیمه تأمین اجتماعی پرداخت نکرده است و این کارکنان نیز با مشکلات جدی درمانی روبرو هستند.

تجمع اعتراض مالکان شهرک دانشوران تبریز

امروز ۲۱ تیر جمعی از مالکان شهرک دانشوران تبریز در اعتراض به بلاتکلیفی چندین ساله وضعیت املاک خود تجمع کردند. به گفته معترضان آنها پس از گذشت حدود ۳۰ سال، همچنان با مشکلات مربوط به تعیین تکلیف وضعیت شهرک روبه‌رو هستند.

اعتراض دانشجویان شیراز به کیفیت بد غذا

روز ۲۰ تیر دانشجویان علوم پزشکی شیراز در خوابگاه دستغیب در اعتراض به وضعیت بد تغذیه دست به اعتراض زدند.

تجمع اعتراضی جمعی از مالباختگان سه شرکت تبریزی در تهران

امروز بیست و یکم تیرماه جمعی از مالباختگان سه شرکت تبریز در تهران دست به تجمع زدند. این شهروندان که دارایی‌های خود را در شرکت‌های خودرویی و سرمایه‌گذاری اعیان، الیال و ممتاز از دست داده‌اند، در اعتراض به کلاهبرداری گسترده، عدم بازگرداندن سپرده هایشان و روند کند و نامشخص رسیدگی به پرونده‌های قضایی‌شان در دادستانی تبریز، راهی پایتخت شده و دست به تجمع زدند. توقیف و شناسایی کامل اموال، دارایی‌ها و حساب‌های بانکی متهمان و مدیران این سه شرکت به نفع شاکیان و بازگرداندن فوری و کامل اصل سرمایه‌های به یغما

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

اتهام زنی به جای نقد سیاسی

ما از دولت‌های جهان خواسته‌ایم جمهوری اسلامی را همانند رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی منزوی کنند؛ سفارتخانه‌ها، مراکز به اصطلاح فرهنگی و شبکه‌های جاسوسی و لابی آن را تعطیل کنند و آنرا بعنوان حکومت ایران برسمیت نشناسند. کسی که دارای حداقل امانت داری سیاسی باشد می‌فهمد که این سیاست هیچ سنخیتی با حمایت از جنگ ندارد. دوستانی که این بدیهیت را نمی‌بینند به این دلیل است که با سیاست‌های ضد جمهوری اسلامی حزب در دل جنگ: تمام تفنگ‌ها به سوی دولت خودی، مسبب جنگ جمهوری اسلامی است، هر صلح طلب واقعی باید سرنگونی طلب باشد، مخالف هستند. این دوستان یا مقابله با جمهوری اسلامی را در جریان جنگ کلا کنار گذاشتند و بر طبل ضدیت با آمریکا و اسرائیل کوبیدند و یا عملاً مقابله با جمهوری اسلامی را تحت الشعاع مقابله با "تجاوزگران امپریالیست" قرار دادند.

از نظر ما، سیاستی که امروز تحت عنوان «قطع فوری جنگ» (و در عمل به معنای سازش دولت‌ها با جمهوری اسلامی تبلیغ می‌شود، عملاً پرو جمهوری اسلامی است. مردم به درست جمهوری اسلامی را عامل اصلی جنگ، سرکوب و ناامنی می‌دانند و خواهان پایان حیات این حکومت هستند. سیاستی که به تثبیت موقعیت بین‌المللی جمهوری اسلامی بینجامد، هر نامی که بر خود بگذارد، در خدمت این هدف مردم نیست.

در عین حال، حزب کمونیست کارگری هرگونه آسیب به مردم غیرنظامی را، از هر طرف و در هر شرایطی، محکوم کرده است. این مواضع علنی و در دسترس همگان است.

اگر نویسندگان بیانیه واقعاً قصد نقد سیاسی دارند، باید همین سیاست‌ها و همین مواضع را نقد کنند، اگر چنین نمی‌کنند به این دلیل است که در دیدگاه آنان وزنه ضدآمریکائی - ضد امپریالیستی بر ضدیت با جمهوری اسلامی ثقل بیشتری دارد. برخی از این دوستان در دوره حمله دوم آمریکا به عراق نیز اعلام کردند در خارج کشور شعار سرنگونی جمهوری اسلامی را کنار می‌گذارند. برخی حتی در جنگ ۳۹ روزه شعار "نه جنگ نه جمهوری اسلامی" را نشستن روی صندلی وسط نامیدند و تماماً در کنار جمهوری اسلامی در مقابل "تجاوزگران امپریالیست و صهیونیست" قرار گرفتند. این وجه مشترک این دوستان با چپ محور مقاومتی است که در همین نوشته آنرا نقد کرده اند. اساس مساله این است..

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ تیر ۱۴۰۵، ۸ جولای ۲۰۲۶

بیانیه‌ای با عنوان «جنگ ویرانگر و موقعیت و ماهیت اپوزیسیون جنگ طلب» از سوی جریانی با عنوان «شورای نیروهای چپ و کمونیست» منتشر شده است. در این بیانیه، بدون ارائه حتی یک سند یا نقل قول مشخص، حزب کمونیست کارگری ایران در کنار جریانانی نظیر سلطنت‌طلبان و حامیان جنگ اخیر آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی قرار داده شده است.

نویسندگان این بیانیه حتی به خود زحمت نداده‌اند توضیح دهند این نتیجه‌گیری بدون تناسب بر کدام موضع، اطلاعیه، مصاحبه یا سند رسمی حزب استوار است. صرفاً به این دلیل که مواضع حزب کمونیست کارگری با دیدگاه «چپ محور مقاومتی» همسو نیست، آن را به حمایت از جنگ متهم کرده‌اند. نقد سیاسی بدون استناد، چیزی جز اتهام‌زنی نیست.

حزب کمونیست کارگری مواضع خود را به‌طور منظم در اطلاعیه‌ها، رسانه‌ها و برنامه‌های تلویزیونی منتشر کرده است. هر کس قصد نقد این حزب را دارد، موظف است به همین اسناد مراجعه کند، نه اینکه مواضعی را به حزب نسبت دهد که هرگز بیان نکرده است.

در بیانیه مذکور آمده است: «...» برخی از گرایش‌های مدعی چپ نیز به بهانه مبارزه با جمهوری اسلامی، به‌طور ضمنی و بعضاً علنی از جنگ حمایت کرده و حتی در آن "انقلاب" را جستجو می‌کردند؛ همانند حزب کمونیست کارگری ایران «...» و در ادامه ادعا می‌کنند «این مدعیان چپ که در خیزش انقلابی ۱۴۰۱ با اتخاذ سیاست پوپولیستی "همه با هم" و اینکه ما "اپوزیسیون اپوزیسیون نیستیم"، همکاری و صف مشترک با سلطنت‌طلبان فاشیست را توجیه می‌کردند، در جنگ اخیر نیز عملاً با اتخاذ سیاست استقبال از جنگ، در کنار جریان رضا پهلوی و سایر جنگ‌طلبان قرار گرفتند.»

اولاً ادعای حمایت حزب از جنگ کاملاً پوچ و بی اساس است. اگر حزب کمونیست کارگری «ضمنی» یا «علنی» از جنگ حمایت کرده است، نویسندگان بیانیه موظف‌اند دقیقاً نشان دهند این حمایت در کدام سند، بیانیه یا سخنرانی بیان شده است. صرف صدور یک حکم کلی، جای استدلال را نمی‌گیرد. ثانیاً بیشترین و عمیق‌ترین نقدها به سلطنت‌طلبان همیشه و از جمله در دل جنگ از جانب حزب ما مطرح شده است. کسی که از سیاست باهم بودن کارگر و معلم و پرستار و بازنشسته و دادخواه و دانشجو در مبارزه با جمهوری اسلامی همکاری با سلطنت‌طلبان را نتیجه بگیرد تنها درک نازل و مخالفت هیستریک خود با حزب را به نمایش می‌گذارد.

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

یوتل ست

KANAL KADIR

کانال جدید

۲۱ تیر: تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی در چند شهر



اعلام کردند.

دیگر شعارهای بازنشستگان در این تجمع عبارت بود: "جنگ افروزی کافیه/سفره ما خالیه"، "با این سفره ی بی نان/معترضیم همچنان"، "تورم، گرانی/نه به جنگ و ویرانی"، "ظلم و ستم فراوان/ما را کشید خیابان"، "کارگر زندانی/آزاد باید گردد"، "معلم زندانی/آزاد باید گردد"، "همبستگی، اتحاد/پایان ظلم و بیداد"، "با این سفره بی نان، معترضیم همچنان"، "زیر بار ستم نمی کنیم زندگی، جان فدا می کنیم در ره آزادی"، "دولت بی لیاقت نمی خواهیم نمی خواهیم"، "بازنشسته به پا خیز برای رفع تبعیض"، "نه دولت نه مجلس نیستند به فکر ملت"، "ظلم و ستم کافیه سفری ما خالیه"، "تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم"، "با داروی آزاد، درمان شده مکافات"، "معیشت منزلت حق مسلم ماست"

افزایش حقوقها به بالای سید معیشت ۷۰ میلیون، درمان رایگان و تحصیل رایگان، پایان دادن به اختلاس و چپاول معیشت مردم، پایان دادن به زندان و اعدام و سرکوب و پایان دادن به جنگ افروزیهای حکومت از جمله خواستهای سراسری بازنشستگان است که بازتاب آنها را در شعارهای اعتراضی آنان مشاهده میکنیم. از جمله دو بر اعتراضی تجمع اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی در اهواز تاکید بر همین خواستها بود. از اعتراضات و خواستهای بازنشستگان وسیعاً حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۱ تیر ۱۴۰۵، ۱۲ ژوئیه ۲۰۲۶

امروز یکشنبه ۲۱ تیر بازنشستگان تامین اجتماعی در ادامه یکشنبه های اعتراضی خود در اعتراض به فقر و بی تামینی و وخامت هر روز بیشتر وضع معیشتی خود در در شوش، تهران، اهواز، رشت و کرمانشاه تجمع کردند. روز گذشته در اصفهان بازنشستگان فولاد و مخابرات همزمان تجمع داشتند.

در شوش بازنشستگان تامین اجتماعی علیرغم گرمای بالای ۵۰ درجه خوزستان تجمع و راهپیمایی داشتند و از جمله شعار میدادند: "این همه تبعیض بس، حقوق ناچیز بس"

در کرمانشاه همانند روال همیشه بخش های مختلف بازنشستگان در مقابل تامین اجتماعی تجمع داشتند و با شعار "خیابان، خیابان سنگر زحمتکشان" بر تداوم اعتراض خود تاکید کردند. در این تجمع اعتراضی یکی از زنان بازنشسته در مورد اختلاسهای و دزدی ها و تعرضات هر روزه به معیشت خود و فقر و بی تامینی و تبعیض صحبت کرد و گفت برای ما فقر و فساد عادی نخواهد شد و به اعتراضمان ادامه میدهیم.

در تهران بازنشستگان با شعارهای "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "آموزش رایگان حق مسلم ماست" بر حق داشتن یک زندگی بهتر و شایسته انسان تاکید کردند.

در رشت بازنشستگان تامین اجتماعی با شعارهای حق طلبانه "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "نه به اعدام - نه به اعدام نه نه نه"، "ظلم و ستم فراوان ما را کشاند خیابان" اعتراض خود را به بساط سرکوب و توحش حاکم

قرار در باره جنبش ضد اعدام در ایران مصوب پلنوم ۶۱ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری

۳- جمهوری اسلامی می کوشد با اعدام، جامعه را مرعوب کند، اما پاسخ جامعه و نیروهای آزادی خواه باید تبدیل هر اعدام به عاملی برای اعتراض گسترده تر، همبستگی بیشتر و بسیج نیروی وسیع تر علیه حکومت باشد.

۴- گسترش جنبش ضد اعدام و جلب حمایت هرچه وسیع تر مردم؛ شکل های مدنی، نهادهای حقوق بشری، احزاب و سازمان های سیاسی و افکار عمومی جهان از این جنبش و حمایت گسترده از مبارزات مردم ایران علیه حکومت اسلامی، یکی از مؤثرترین ابزارهای مقابله با ماشین کشتار و سرکوب جمهوری اسلامی است. حزب کمونیست کارگری ایران دفاع قاطعانه از حق خدشه ناپذیر حیات و ممنوعیت مجازات شنیع اعدام را سیاست و وظیفه خود می داند، برای آن فعالانه مبارزه می کند، و همه نیروهای آزادی خواه را به مبارزه پیگیر در این راه فرامی خواند.

نشست وسیع کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران
۷ تیرماه ۱۴۰۵، ۲۸ ژوئن ۲۰۲۶

۱- در حالی که جمهوری اسلامی در سایه جنگ، موجی بی سابقه از اعدام ها را به راه انداخته و با گرفتن جان صدها انسان در سال گذشته رکورد تازه ای از جنایت و آدم کشی دولتی را به ثبت رسانده است، مبارزه علیه اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی به یکی از مهم ترین سنگرهای دفاع از انسانیت، آزادی و کرامت انسانی در ایران تبدیل شده است.

۲- هر درجه پیشروی جنبش ضد اعدام، نظیر سه شنبه های نه به اعدام و اقدام جهانی آوریل علیه اعدام، گامی در جهت تضعیف ماشین سرکوب جمهوری اسلامی و تقویت مبارزه مردم برای آزادی و برابری برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ساختن جامعه ای بدون اعدام است. حمایت از این جنبش و تلاش برای گسترش آن، وظیفه ای عاجل در برابر همه نیروهای آزادی خواه و مدافع حقوق انسان است.

اعدام قتل عمد دولتی است!

اعتراضات بازنشستگان مخابرات اصفهان، حواله داران سایپا در تهران و کارگران فولاد سازی یزد



تجمع اعتراضی بازنشستگان مخابرات اصفهان

امروز شنبه بیستم تیرماه بازنشستگان مخابرات اصفهان در اعتراض به بدتر شدن وضع معیشتی خود، علیه سهامداران چپاولگر شرکت یعنی ستاد اجرایی فرمان امام و کنسرسیوم اعتماد مبین که به سپاه وابسته است. دست به اعتراض و تجمع زدند. افزایش حقوق ها به بالای سید معیشتی هفتاد میلیونی و درمان رایگان و پایان دادن به اختلاسگریهای حاکم و بساط سرکوب و جنایت و توقف جنگ آفریزیهای حکومت مطالبات سراسری بازنشستگان است که در شعارهای اعتراضی کف خیابانی آنها بازتاب می یابد. بخش های مختلف بازنشستگان در کرمانشاه نیز برای فردا بیست و یکم تیرماه به تجمع مشترک فراخوان داده اند.

تجمع اعتراضی حواله داران سایپا در تهران

امروز بیستم تیر گروهی از حواله داران شرکت خودروسازی سایپا در اعتراض به تاخیر در تحویل خودرو مقابل امور مشتریان این شرکت در تهران تجمع کردند. به گفته معترضان با وجود پرداخت کامل هزینه های مربوطه و گذشت ماه ها از زمان ثبت نام، خودروهای آنان علیرغم وعده های داده شده، تحویل نشده است! در این تجمع اعتراضی یکی از زنان شرکت کننده در مقابل یکی از مسئولین سایپا فریاد زد و گفت دزدها! او با گفتن اینکه دزدها، پول را از مشتری گرفته اند اما از تحویل خودرو خودداری می کنند صدای اعتراضش را بلند کرد. سازمان مافیایی گسترش و نوسازی صنایع ایران از سازمان های زیر مجموعه وزارت صمت سهامدار عمده سایپا است.

اعتصاب در فولاد سازی یزد!

طبق خبرهای منتشر شده روز هجدهم تیرماه داربست بندان فولادسازی ابرکوه

یزد در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدها و نبود ایمنی دست به اعتصاب زدند. نپرداختن دستمزدها یک روال جاری سرمایه داران مفتخور در ایران است و اکنون در سایه جنگ و بن بست اقتصادی شدت یافته است. هم اکنون بخش عظیمی از کارگران از نفت گرفته تا دیگر مراکز کارگری با معضل دستمزدهای پرداخت نشده روبرویند و این موضوع محیط های کارگری را بشدت ملتهب کرده است. اعتراضات سراسری در همراهی با خانواده یک راهکار مهم در نقد کردن دستمزدهای به سرقت رفته توسط سرمایه داران دزد و چپاولگر است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ تیر ۱۴۰۵، ۱۱ ژوئیه ۲۰۲۶

در این روز بازنشستگان صنایع فولاد در اصفهان نیز تجمع داشتند.

یاسر احمدی نژاد کارگر نفت آزاد شد



آن نیز در دیماه ۱۴۰۴ همراه مردم بود. ادامه بازداشت یاسر احمدی نژاد این کارگر محبوب در میان کارگران با اعتراض بسیاری روبرو شد و دو نهاد شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت و ارکان ثالث طی بیانیه مشترکی بر آزادی فوری یاسر تاکید کرده بودند.

آزادی یاسر احمدی نژاد را به خانواده اش، به همه کسانی که برای

آزادی وی تلاش کردند و به همکاران او و به همگان شادباش میگوییم یاسر با قید وثیقه آزاد شده است. او باید بدون قید و شرط آزاد شود و پرونده امنیتی وی تماما مسدود گردد.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی- ۲۱ تیر ۱۴۰۵، ۱۲ ژوئیه ۲۰۲۶

<https://free-them-now.com/> (برگرفته از مدیای اجتماعی)

بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت در روز شنبه بیستم تیرماه یاسر احمدی نژاد کارگر و نماینده مستقل کارگران ملی حفاری از زندان یاسوج آزاد شد.

یاسر بعد از مدتی تعقیب توسط نیروهای امنیتی در شانزدهم بهمن ماه ۱۴۰۴ در شهر لیکک بازداشت شده و به زندان یاسوج منتقل گردید و پس از مدتی به ۴۲ ماه حبس محکوم گردید.

یاسر احمدی نژاد در سال های اخیر بارها با مدیریت فاسد و پیمانکاران دزد و مفتخور نفت رودرو شده و دزدیهای مدیران ناظر پروژه با پیمانکاران را افشا کرده بود. او در کارزار حقوقی احقاق حقوق ۳۰ هزار کارگر ارکان ثالث ملی حفاری نفت، پیگیر مطالبات کارگران برای دستیابی به حقوقشان شده بود. و به خاطر همین تلاشها از کار اخراج شد. اما با اعتراض کارگران یک سال بعد به کار بازگشت و دوباره به خاطر اعتراضاتش از کار اخراج شد و بعد از آن با گذران دوره دانشگاهی به شغل وکالت اشتغال یافت. یاسر بخاطر حمایت و همراهی با اعتراضات مردمی بارها بازداشت و زندانی شده است. در جریان اعتراضات زن زندگی آزادی در ۱۴۰۱ و بعد از

پیش بسوی اعتصابات سراسری!



پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران به زنان و مردم افغانستان

اعتراضات شجاعانه شما در هرات علیه هیولای طالبان، با شکستن فضای خفقان و سرکوب شدید، نشان داد جامعه زخم خورده افغانستان حاضر به تسلیم در مقابل طابان نیستند.

اعتراض گسترده مردم هرات رعد و برق در آسمان بی ابر نبود. این خشم فرو خفته کل جامعه‌ای است که پیش از این در اعتراضات «بدخشان»، سیطره شوم ضد بشری طالبان را نپذیرفته و علیه آن سر به شورش بر داشته است و اکنون بلافاصله پس از اعتراضات خیابانی در هرات، مردم رنج‌دیده ولایت «لوگر» نیز علیه طالبان به میدان آمده‌اند. تظاهرات‌های گسترده در حمایت از اعتراضات مردم هرات علیه طالبان در ده‌ها شهر در سراسر جهان همبستگی بین‌المللی با مردم افغانستان را بیش از پیش نمایان کرد.

اعتراضات مردم جسور هرات که در آغاز به بازداشت گسترده زنان و تحمیل حجاب اسلامی - طالبانی علیه محتسبین امر به معروف شکل گرفت، سرعت با طنین شعارهای «نان، کار، آزادی»، «کار، تحصیل، آزادی» و «زن، زندگی، آزادی» به مصاف طالبان رفت. صدها زن و مرد، با جسارت تحسین برانگیز، در نبردی نابرابر در مقابل سرکوب مسلحانه نیروی مسلح طالبان ایستادند، به کل جامعه افغانستان راه نشان دادند.

نسل جوان مقاومت در مقابل طالبان، با محوریت زنان بویژه در هرات نشان داد که با وجود تحمیل فقر و عظیم‌ترین فلاکت اجتماعی، بیکاری و ناامنی، تبعیض و نابرابری، محرومیت کامل زنان از تحصیل و کار و حضور در جامعه، نه تنها منفعل

نشده‌اند، بلکه الگویی از اتحاد و شجاعت را برای رهایی از شر هیولای وحشی طالبان به نمایش گذاشتند. الگویی که می‌رود با تکثیر خود در ابعاد سراسری گسترش یابد.

اکنون دوره نوینی از مبارزه مردم جان به لب آمده افغانستان دارد رقم می‌خورد! جامعه دارد خود را برای جهش بزرگتری، برای یک زندگی شاد و انسانی، مدرن و امروزی آماده می‌کند و موانع اصلی پیروزی خود را بهتر می‌شناسد. با فاصله گرفتن از سنتهای ارتجاعی احزاب جهادی، تفرقه قومی و مذهبی، ترفندها و دسیسه‌های قوم‌گرایان و ناسیونالیستهای به اصطلاح وطنی را از سر راه بر می‌دارد.

حزب کمونیست کارگری پیوسته در کنار مبارزات به حق مردم افغانستان ایستاده است و برای تقویت پیشروی جنبش اعتراضی مردم مبارز افغانستان علیه استبداد ضد بشری طالبان از هیچ تلاش و حمایتی در همبستگی میان مردم ایران با زنان و مردم افغانستان دریغ نخواهد کرد. این مبارزه شایسته بزرگترین پشتیبانی همه مردم ایران و همه مردم جهان است.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۷ تیر ۱۴۰۵، ۲۸ ژوئن ۲۰۲۶

هفته ۱۲۸ کارزار "سه شنبه‌های نه به اعدام"، و بیانیه دادخواهان دیماه

نابودی معیشت شان به خیابان آمده بودند به گلوله بسته شد و هزاران نفر به قتل رسیدند. تاریخی که به نقطه عطفی بدل شد که باید چشم بشریت به روی آن باز بماند تا محاکمه عاملین و آمرین جنایت خونین آرام نگردد. جنایتی که روی همه کشتارهای تاکنونی را سفید کرد و از آن به عنوان هولوکاست اسلامی و نسل کشی یاد می‌شود.

در ادامه در بخش پایانی این بیانیه اعلام کیفرخواست شده و چنین آمده است: "بین ما و حاکمان دریایی از خون است! از خاک سپاری پیکرهای شریف ترین انسانها، جوانه‌ها می‌رویند و نوید آزادی خواهند شد و گورسپاری جنایتکاران، حکم نابودی شریان پلیدیهاست.

کیفرخواست ما علیه جنایتکاران قاتل، پرچم دادخواهی ماست. اجازه نمی‌دهیم نام و یاد عزیزانمان گرد فراموشی بگیرد. اجازه نمی‌دهیم بشریت چشمش را به روی هولناک ترین قتل عام خیابانی توسط حکومت ببندد. ما دادخواهان به همراه همه مردم معترض خواهان محاکمه و مجازات همه آمرین و عاملین کشتار دی ماه و همه جنایتهای چندین دهه جمهوری اسلامی هستیم. پرونده کشتار #دیماه_۱۴۰۴ و جنایات جمهوری اسلامی را به دادگاههای بین‌المللی ببریم و اعلام کیفرخواست کنیم. در این بیانیه از همه خانواده‌های دادخواه دی ماه خونین خواسته شده است که به این کیفرخواست پیوندند و موارد دادخواست خود را به کیفرخواست اضافه کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ تیر ۱۴۰۵، ۷ ژوئیه ۲۰۲۶

امروز شانزدهم تیرماه کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" در هفته صدویست‌وهشتم در ۵۷ زندان مختلف کشور جریان ادامه یافت. در بیانیه هفتگی این کارزار ابقای سر جلاد حکومت، محسنی اژه‌ای تهدیدی جدی برای زندانیان و حقوق بشر در ایران خوانده شد. در این بیانیه ضمن اشاره به روند فزاینده اعدامها و صدور احکام بیشتر اعدام برای زندانیان سیاسی و تعدادی از معترضین دیماه ۱۴۰۵، بر تداوم جنبش علیه اعدام تاکید شده و چنین آمده هاست: "کارزار" سه‌شنبه‌های نه به اعدام «ضمن محکومیت احکام نا عادلانه اعدام، تمامی مجامع بین‌المللی و وجدان‌های بیدار را نسبت به واکنش به فاجعه انسانی که در زندان‌های ایران در حال روی دادن است فرا می‌خواند. احکام اعدام در اصل در پشت درب‌های بسته و با فشار و شکنجه‌های روحی و جسمی در اتاق‌های بازجویی صادر می‌شود. لذا بر همگان ضروری است به هر شکل ممکن اقدامی جدی برای فشار بر حکومت جهت رعایت اصول دادرسی عادلانه به ویژه برگزاری علنی دادگاه‌هایی که اتهامات مطروحه در آن منجر به سلب حیات و حکم اعدام می‌شود، انجام گیرد. بی‌شک با مقاومت و همبستگی جمعی علیه اعدام ما پیروز خواهیم شد!"

کیفرخواست علیه قتل عامی هولناک

در چهاردهم تیرماه بیانیه‌ای تحت عنوان "کیفرخواست علیه قتل عامی هولناک" با امضا دادخواهان دیماه از سوی نهاد دادخواهان انتشار یافت. در سر سخن این بیانیه چنین آمده است: "قرب شش ماه از قتل عام هولناک دی ماه خونین می‌گذرد. تنها در دو روز هجدهم و نوزدهم، صف معترضین خیزش دی ماه که برای رهایی و علیه



سپرده هایشان به تهران آمده اند برای دومین روز در صفی بزرگ دست به راهپیمایی زدند. معترضین شعار میدادند: "راننده زحمتکش/حق تو فریاد بکش"، "وعده وعیدکافی/سفره ما خالیه"، "می میریم، ذلت نمی پذیریم".

به گفته معترضین شرکت اعیان تجارت با دریافت مبالغ ۶ تا ۸ میلیارد تومان از رانندگان، قرار بوده که کامیون وارداتی نو به آنها تحویل دهد ولی چندین ماه گذشته است و پاسخی به آنها داده نمیشود. این رانندگان میگویند که با تحقیقی که انجام داده اند روشن شده قبل از جنگ ۳۹ روزه، شرکت اعیان حدود ۸۰۰ کامیون و کشنده در پارکینگ خود داشته است اما مشخص نیست اینها به کجا منتقل شده اند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۲ تیر ۱۴۰۵، ۱۳ ژوئیه ۲۰۲۶

خبر تکمیلی: روز ۲۲ تیر جمعی از پرستاران و کارکنان کادر درمان، در شیراز در اعتراض به مشکلات معیشتی و معوقات مزدی خود و بی پاسخ ماندن خواستههایشان در مقابل ساختمان دانشگاه علوم پزشکی شیراز دست به تجمع زدند.

کردن بخش هایی از دانش آموزان و دانشجویان و معلمان علیه تبعیض و نابرابری، و بدلیل شکل وسیع و گسترده شبکه ای این اعتراضات فرصتی برای تحکیم اتحاد سراسری بخش هایی از مردم برای تحقق مطالبات خود و مبارزه علیه جمهوری اسلامی است.

از لحاظ سیاسی اعتراضات اخیر دانش آموزان در چهارچوب جنبش انقلابی مردم برای سرنوشتی رژیم قرار میگیرد و گامی عملی در عقب راندن اختناق جنگی است که جمهوری اسلامی برقرار کرده است.

حزب کمونیست کارگری با تمام قوا از اعتراضات دانش آموزان و مبارزه برای تحقق خواسته های بلافصل آنها حمایت میکند و اقدامات سرکوبگرانه و امنیتی جمهوری اسلامی علیه دانش آموزان را محکوم میکند. حزب همه مردم ایران در داخل و خارج کشور را فرا می خواند که به هر وسیله ممکن از فرزندان خود قاطعانه حمایت کنند.

نشست وسیع کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۶ تیر ۱۴۰۵، ۲۷ ژوئن ۲۰۲۶

۲۲ تیر: چند اعتراض کارگری و اجتماعی

بازنشستگان، کارگران پتروآرمند، کارکنان بهداشت نیشابور، و راهپیمایی مالباختگان تبریزی در تهران

تجمع بازنشستگان مخابرات

امروز دوشنبه ۲۲ تیر بازنشستگان مخابرات طبق فراخوانهایی از قبل اعلام شده در اعتراض به مشکلات معیشتی و چپاولگریهای ستاد اجرایی و بنیاد تعاون سپاه پاسداران که سهام عمده مخابرات را در دست دارند در شهرهایی چون سنندج، کرمانشاه و اهواز تجمع کردند. در همین رابطه این بازنشستگان در شبیه بیستم تیرماه نیز در اصفهان همزمان با بازنشستگان فولاد تجمع داشتند.

اعتراضات بازنشستگان گسترده تر میشود. روز گذشته نیز بازنشستگان تامین اجتماعی تجمع داشتند که علاوه بر تجمع در شهرهای شوش، کرمانشاه، اهواز، و تهران و رشت، در دزفول نیز تجمع داشتند.

تجمع اعتراضی کارگران پتروآرمند لردگان

امروز بیست و دوم تیرماه کارگران شرکت پتروآرمند لردگان که نزدیک به دو سال است که بدلیل تعطیلی شرکت در وضعیت بلا تکلیفی قرار دارند؛ در مقابل فرمانداری شهرستان فلارد دست به تجمع زدند. این کارگران همچنین حدود سه ماه حقوق و دیگر تعلقات مزدی خود را دریافت نکرده اند.

تجمع اعتراضی کارکنان بهداشت نیشابور

کارکنان حوزه بهداشت دانشگاه علوم پزشکی نیشابور امروز بخاطر فشارهای معیشتی و مطالبات معوقه خود و عدم پاسخگویی به خواستههایشان دست به تجمع زدند. خواست اصلی آنها افزایش حقوقها و پرداخت کامل کارانه ها بدون هرگونه تبعیضی است. به گفته معترضین، اعتبار این بخش از سوی وزارت بهداشت تأمین و به دانشگاه اختصاص یافته، اما به کارکنان اعلام شده تنها ۶۰ درصد مبلغ کارانه پرداخت می شود و ۴۰ درصد آن کسر خواهد شد.

تظاهرات بزرگ مالباختگان سه شرکت اعیان، الیال و ممتاز

امروز ۲۲ تیر مالباختگان سه شرکت واردات خودرو "اعیان"، "الیال" و "ممتاز" که در اعتراض به کلاهبرداری گسترده در این شرکت ها و عدم بازگرداندن

قرار در حمایت از مبارزات دانش آموزان

مصوب پلنوم ۶۱ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری

اعتراضات، تجمعات و تظاهرات های گسترده دانش آموزان سالهای آخر دبیرستان و مقطع کنکور که در چندین شهر و با مشارکت فعال خانواده ها، حمایت معلمان، دانشجویان و برخی دانشگاهیان در اواخر اردیبهشت و خرداد ماه امسال برپا شد و ادامه دارد، بدلائل گوناگون حائز اهمیت ویژه ای است.

گرچه موضوع بلافصل اعتراض مساله تاثیر مستقیم معدل دبیرستان در پذیرش در دانشگاه و تعویق امتحانات نهایی بود، اما این تظاهرات ها بر متن اعتراض گسترده و ریشه دار جامعه ایران به سیستم ایدئولوژیک آموزشی در جمهوری اسلامی، روند کالایی و طبقاتی کردن دسترسی به آموزش، اعمال محرومیت های آشکار بر اقشار کم درآمد و مناطق محروم صورت می گیرد و در یک کلام اعتراضی به تبعیض طبقاتی است.

بدلیل حضور خانواده ها در همه سطوح و اشکال این اعتراضات، بدلیل متحد